

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی-استرالیا

۱۶ اگست ۲۰۲۲



داکتر محمد کریم فارغی

## به مناسبت یک سالگی حاکمیت طالبان



ظاهراً حاکمیت طالبان یکساله شده است ولی در اصل از نیمه نظام فاسد و پوشالی به نام جمهوریت که چون باشه ای بالای دستان استخبارات خارجی نشسته بود، طالبان بر حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم به خصوص هشتاد در صد روستا ها حاکمیت داشتند. طالبان واقعیت انکار ناپذیر جامعه ما هستند، این واقعیت هرچند تلخ و ناراحت کننده است ولی نمی شود آن را انکار کرد.

حساسیت ها و ناسزا گویی های روشنفکران مکتبی در مقابل طالبان و آنچه توسط آنها در جریان بیست سال اشغال کشور سر زده است، بیشتر روی سلیقه ها و عدم سازگاری با طرز ارائه طالبان بوده است نه جنایات آنها. حساسیت ها و عدم پذیرش طالبان طی بیست سال گذشته و یکسال حاکمیت شان هرچند عامل خشونت، کشتار، انفجار و انتحار بوده اند، بیشتر از آن که در تقبیح و مخالفت با عنصر جنایت بوده باشد، با ظواهر فرهنگی و زمینه های اجتماعی آنها بوده است.

برای اثبات ادعایم می خواهم عزیزانم به گذشته تاریخی چهل سال قبل کشور ما مراجعه کنند. آیا جنایاتی را که حزب حاکم دموکراتیک بعد از کودتای ثور مرتکب شدند، تفاوت چندانی با آنچه مجاهدین سر به کف طی چهار سال حاکمیت شان انجام دادند، داشت؟ آیا مخالفت ها و حساسیت ها به پیمانان ای که حالا ایجاد گردیده، وجود داشت؟ آیا دریشی و نکتائی روشنفکران مترقی مانع قتل، بی ناموسی، ویرانی و هزاران ناروای دیگر شان در مقابل اقشار معصوم جامعه ما شده بود؟ آیا کوچه به کوچه جنگ های تنظیمی که مجریان شان امروز نعره های آزادی از سلطه طالب را شعار می دهند، از انفجار و انتحار طالب کمتر بود؟

امروز از هر زبان لعن و دشنام و نفرت علیه روستا نشینان جامعه که با انواع جنایات هم به وسیله عوامل بیرونی و هم پرورش دهندگان شان مواجه بودند، شعار داده می شود، آیا این طرز برخورد با برخورد مخالفان حزب دموکراتیک خلق که زمین و آسمان را آتش می زدند، فرق دارد؟ آیا ما از تاریخ، حوادث و واقعیت های جامعه خود آموخته ایم؟ آیا به جز از نفرت و دشمنی با همدیگر روی هر دلیلی که بوده است، روش دیگری را هم فکر کرده ایم؟ ما تجربه حاکمیت توسط اقشار و اصناف مختلف جامعه خود را داریم، هیچ کدام روش متفاوت از دیگری نداشته است، بند و زندان، ارباب و وحشت نه با دریشی و نکتائی معدوم گردید و نه با ریش و دستار و عمامه عدالت و انسانیت تأمین شد .... پس این ملت ما بوده است که آنچه را در نهادش داشته است بیرون داده است. نجات از یک دسته جنایتکار، باعث رهائی از ستم و وحشت نشده است بلکه فرصتی بوده است تا جنایت پیشه دیگری در جایش چاره بزند و با قساوت بیشتر راه سلفش را به پیش گیرد ....

آیا تقدیر این سرزمین به غیر از این بوده است که پس از شب، صبح نیاید و شب دیگری آغاز گردد؟؟؟؟..... .